



یـسـکی از

لحظه‌های قشنگ برای هر معلم ریاضی، لحظه‌ای است که دانش‌آموز مسئله‌ای را حل می‌کند و با خوش‌حالی راه‌حل آن را می‌نویسد تا به دوستان دیگرش نشان بدهد. خود حل کردن مسئله، یک جنبه این قشنگی است، و توانایی نوشتن آن راه‌حل به صورتی که دقیق و صحیح باشد، تمام مراحل و جزئیات راه‌حل را در برداشته باشد، و در عین حال برای دیگران نیز قابل درک باشد، جنبه دیگر آن است که برای بسیاری از ما، از حل کردن مسئله سخت‌تر است. در مجله‌های رشد برهان ریاضی متوسطه اول که در این سال تحصیلی چاپ شده‌اند، در هر شماره مطالبی از دوستان هم‌سن خود دیده‌ای؛ راه‌حل یک مسئله، راه‌حل متفاوت برای مسئله‌ای دیگر، کشف یک فرمول، و کشف روشی برای انجام یک عملیات و موارد مشابه دیگر. در این شماره نیز مطالبی از دوست دیگرمان، بهار علیبازی، دانش‌آموز پایه نهم چاپ کرده‌ایم. بهار یک مسئله هندسه را که در جایی غیر از کتاب درسی‌اش دیده بود، حل کرده است و به قدری از حل این مسئله (که به ظاهر سخت می‌نمود) شاد شده بود که آن را برای ما فرستاد تا بررسی کنیم. راه‌حل بهار خیلی زیباست. می‌دانی چرا؟ زیرا در این راه‌حل، او به سادگی از دانشی که پیش از آن یاد گرفته، استفاده کرده و نه تنها مسئله را برای یک چندضلعی خاص مطرح شده حل کرده، بلکه روش حل او برای تمام چندضلعی‌ها هم درست است و او خودش این موضوع را فهمیده و در راه‌حلش آورده است. شادی بهار، نه فقط به دلیل حل آن مسئله، که به این دلیل نیز هست که توانسته از مطالبی که قبلاً خوانده، آن‌هایی را که مرتبط با موضوع این مسئله بودند، تشخیص بدهد و از آن‌ها به‌صورت خوبی برای حل مسئله استفاده کند. خب شما هم اگر جای بهار بودید، حتماً همین قدر خوش‌حال می‌شدید! اگر آنچه را که در مدرسه یا بیرون از مدرسه می‌بینید و می‌خوانید، خیلی عمیق درک کنید و یاد بگیرید، مطمئن باشید که می‌توانید از آن در جای مناسب استفاده کنید؛ چه در زندگی واقعی، چه برای حل یک مسئله تازه ریاضی.

شادمانی